

متن پرسش

سلام علیکم و رحمه الله عرض ادب مجدد خدمت برادر عزیزم آقای طاهرزاده گرامی. خیلی خرسند شدم که شما با صبر و حوصله به سوال حقیر پاسخ فرمودید و این خود نشان دهنده «صبر» شما به معنای حقیقی آن است. حقیر ایمیل شما را به دقت تمام چندین بار خواندم و متوجه نوع دیدگاه شما شدم. و آنچه به گوشم رسیده بود را کنار زدم (چون می گفتند: شما به کل استاد عرفان را قبول ندارید، و به کل می گوئید بی استاد باید سالک شد!) ولی خدا عنایتی به حقیر کرد تا از خود شما برادر بزرگواریم این مطلب را بپرسم و معاذالله، دچار زود قضاوت کردن نشوم. و خدا همه ما را از این رذایل دوربدارد ان شاء الله. غرض از مزاحمت دوباره اینکه، گفتم برداشتهای خود را که از ایمیل شما کرده ام بازگو کنم تا شما ببینید نظر شما را به درستی درک کرده ام یا خیر. «خدایی ناکرده دچار پیش داوری دیگر نشویم.» و دیگر اینکه: چند سوال دیگر از شما بپرسم. برداشتهای بنده از صحبت شما: ۱. استاد داشتن واجب نیست، ولی اگر باشد خیلی بهتر است و باید دست او را بوسید. ۲. نداشتن استاد راه بدین معنا نیست که رابطه ما با عرفا قطع شود، و باید مشورتهای او را داشته باشیم. ۳. ظرفیت تاریخی ای به ظهور رسیده است که می تواند کمک کار سلوک در این تاریخ باشد (همانند ظرفیت یاران حسین علیه السلام در کربلا) ۴. صحبت امام (ره) هم مؤید همین ظرفیت و مشیت است. ۵. آیت الله بهجت (ره) هم این ظرفیت را شناختند که اینگونه بیاناتی داشته اند. ۶. شهدا نمونه ای از خروجی این اراده الهی هستند. ۷. دروس و کتب و منابع عرفانی ای که با اساتید بزرگی همچون جوادی آملی روحی فداه کار شده است، هیچ گاه در عصر پیشین نبوده است. سوالات بنده: اولاً: بفرمایید که مطالب شما را درست استنباط کرده ام یا خیر؟ ثانیاً: اینکه بفرمایید اگر شخصی به نواذر حالات سلوکی دست یافت، آنوقت چه باید بکند؟ اینجا دیگر کتاب و صوت و ... همانطور که مستحضرید کارساز نیست. ثالثاً: بفرمایید آن «باری» که توسط استاد عرفان روی اذکار لسانیّه و اوراد می نشیند و سالک را جلو می برد و همانطور که اساتید مشترکمان فرموده اند: مانند تجویز دارو از سوی طبیب است چه می شود؟ رابعاً: اصلاً در آن مقامی که ذکر لسانیّه در کار است، این اذکار را از کتب که نمی تواند بیابد! پس این موقع باید چه کند؟ بعلاوه اگر برخی کتب اذکاری نقل کرده اند هم، خودتان بهتر می دانید که تشخیص اذکار برای سالک سهل نیست، و دوباره همانطور که شما بهتر از این اقل می دانید: بعضی از اذکار به وحدت می برند و برخی به کثرت، اگر این دو نوع ذکر با هم گفته شوند، سالک هیچ بهره ای از ذکر نمی برد! بعلاوه، اگر برخی ذکرها را هم سرخود بگوئید، بقول خود مرحوم علامه (ره): آثار سوء روی نفس دارد. باز هم معذرت خواهی می کنم که واقعا وقت شریف را گرفتم، همانطور که ان شاءالله می

دانید (قصد بنده نه تخریب است، نه مناظره و نه اسکات، و نه اذیت شما و نه امثالهم) و واقعا پناه می برم به خدا اگر قصدم جز تفهیم خود گنه کارم باشد، و استغفار می کنم اگر از سر رذیله ای به فرمایشات شما اشکالی کرده باشم، از جنابعالی هم دوباره پوزش می طلبم. بنده تقریباً ۸۰ درصد جواب خود را گرفتم، و برای تتمه مزاحم شده ام، والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاته علی علی تبار

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- به نظر بنده همان طور که بنده در رابطه با استاد عرفان اعتقاد دارم جنابعالی برداشت فرموده‌اید. ۲- عنایت داشته‌باشید وقتی آیت‌الله بهجت می‌فرمایند «علم تو استاد تو است»، در شرایطی این سخن را می‌گویند که واردین به این وادی خودشان در مقابل موارد حالات سلوکی تکلیف خود را می‌شناسند و به نحوی به خود استادی رسیده‌اند به خصوص که کتاب «منازل السائرین» در این مورد می‌تواند کمک کند که جایگاه اذکار لسانی را و حتی اذکار متقابله را سالک بشناسد در آن حد که قلب توحیدی او ظرفیت هر دو را دارد. این را خدمت شما عرض می‌کنم که وقتی حضرت استاد آیت الله حسن زاده قسمت خلاصه‌ی منازل السائرین را - که مرحوم فناری در ابتدای مصباح الانس آورده‌است - شرح دادند چه افقی بر روی این حقیر گشوده شد و چگونه معرفت النفس در این جا کار خود را کرد. ۳- بنده کاملاً مطمئن‌هستم که حضرتعالی از سر مسئولیت و دلسوزی چنین نکاتی را متذکر می‌شوید ولی عرض بنده آن است که اگر طالب حقیقت بتواند از یک طرف با رساله‌الولایه از مرحوم علامه مأنوس گردد و از آن طرف در عمل سلوکی کتاب منازل السائرین را در افق کار خود قرار دهد در این زمان از سلوکی که اراده کرده‌است، محروم نخواهد شد البته اگر استاد ره رفته‌ای بیابد که چه بهتر ولی متونی این‌چنین که عرض شد امروز کارساز است و به همین امید اساتیدی مانند استاد حجة‌الاسلام والمسلمین آقای یزدان پناه به شرح منازل و یا آیت الله جوادی به شرح رساله‌الولایه دست می‌زنند. موفق باشید